

# ترور و قتل در اویش در ایران!

سیاوش تیموریان از رهبران در اویش اهل حق، احسان‌علیشاه رهبر طریقت خاکسار، مجذوب‌علیشاه رهبر سلسله مجذوب‌علیشاه، درویش صفاعلی همدانی و خلیفه یار مراد نوازنده تنبور چگونه توسط رژیم ترور و به قتل رسیدند!

چگونگی قتل غلامرضا و سیاوش اقبالی برادران «دارویش» خواننده پر آوازه میهنمان!

## گزارش یک

طریقت نقشبندی، سلسله قادریه یا در اویش قادری، طریقت نعمت الهی‌ها که از گرایش‌های گوناگونی تشکیل یافته‌اند (صفی‌علیشاهی، گنابادی نعمت الهی، مجذوب‌علیشاهی، نعمت‌الهی و نوربخش نعمت‌الهی) طریقت خاکسار، طریقت خاکسار جلالی، طریقت خاکسار ابوترابی، سلسله مشعشعیان، سلسله ذهبیه در استان خراسان، یارسان‌ها یا اهل حق‌ها در منطقه‌ی گوران و کرمانشاهان، طریقت شهباز قلندر در سیستان و بلوچستان، طریقت بکتاش‌ها در تبریز و نیز طریقت چهل تنی‌ها در تبریز و ماکو شناخته شده‌ترین سلسله‌های اهل حق و اصطلاحاً گروه‌های متصوفه در ایران بشمار می‌آیند. از نظر اهل حق نماز خواندن وجود ندارد و اعتقاد دارند اهل حق دائم الصلوات است و عملش مترادف با عبادت است.

آیت‌الله خمینی در همان سالها به یکی از رهبران طریقت اهل حق گفته بود: «نکنید کاری که فیه شل شوید.» حاضران مات و مبهوت که «بهاو» فیه‌شل دیگر چیست و به دنبال ادیب و استاد زبان‌شناسی می‌گشتند تا معنای او را بیابند. بعد هم معلوم شد که فیه‌شل بمعنای نابود شدن است. بنابه فتوای ولی فقیه گرفتن جان بزرگان و رهبران سلسله‌هایی که سیدعلی خامنه‌ای را به عقب انداختن «جمعه ظهور صاحب الزمان» متهم کرده‌اند، واجب است. رهبر یکی از طریقت‌ها اظهار می‌دارد که خامنه‌ای پیش از جنگ ایران و عراق در نشستی دوبار با خود و ولی‌عصر عهد می‌بندد که منصور حلاج منجی بشود و علم اعتراض عدالت‌گونه صاحب الزمان را بلند کرده و جمعه ظهور او را نزدیک کند. اما او با پذیرفتن مقام رهبری یا ولایت فقیه عهده‌های گذشته خود را زیر پا گذارده و ظهور امام زمان را نامعلوم کرده است.

سرهنگ مطلبی از بلند پایگان اطلاعات سپاه در غرب ایران، غلام علی حداد عادل رئیس فرهنگستان ادب در تهران و از بستگان سببی سیدعلی خامنه‌ای و شخصی که خود را مبتکر جایگزینی کلمه «چرخ بال» بجای هلیکوپتر و «رایانه» بجای کامپیوتر می‌داند، حسین الله کرم رهبر قداره بند اوباش حزب الله، محسن رضایی، حجت الاسلام کروی و شخص دیگری بنام سردی رهبران جنایتکار شبکه و تشکیلاتی هستند که در دیدارهای ماهیانه، آخرین گزارش عملکردهای سرکوبگرانه‌ی خود را در ارتباط با سلسله‌های یادشده به بالاترین مرجع خود، سید علی خامنه‌ای، گزارش می‌دهند.

در ذهن کمتر کسی می‌گنجید که در مدتی کوتاه پس از مرگ سعید امامی، حسین الله کرم با ایجاد «جمع خانه» ای در تهران با مجوز از پدرش، که خود را از رهبران طریقت خاکسار می‌داند، برنامه و طرحی را دنبال کند که سازمانده اصلی آن کسی جز سعید امامی نبود.

پدرحسین الله کرم را شاید بسیاری از مردم بشناسند. پیرمردی که بسیاری روزها در بهشت زهرا غذای نذری توزیع می کند و با جامه‌ای سبز و ریش‌هایی بسیار بلند سفید، روزهای جمعه در کنار تریبون امام جمعه‌های تهران مشاهده می شود. «جمع خانه» ای که اشاره کردم، محلی است بمنظور تجمع و بحثهای فلسفی طریقتی. همانگونه که گفتم، حسین الله کرم پس از مرگ سعید امامی که به یک باره خود را از مریدان طریقت خاکسار نامید یکی از این «جمع خانه» ها را جهت پیشبرد سیاستهای رژیم دایر نمود. او و تیم چهار، پنج نفره‌ای که همیشه او را در «جمع خانه» ها همراهی می کردند، همیشه بدون اطلاع قبلی به این مراکز وارد و ضمن ایجاد رعب و وحشت، عمدتاً این سیاستها را دنبال می کردند.

۱- دست زدن یا دست افشانی در اوج درهنگام سماع و اجرای موسیقی را به سینه زنی مبدل کنند.

۲- اعتقادات یکی از شاخه‌های ساختگی رژیم، طریقت خاکسار را که پدر او به یکی از رهبرانش «مشهور» شده تبلیغ کنند.

۳- از سایر رهبران و مریدان طریقتها بخواهند که فعالیت‌هایشان را بر اساس سیاستهای رژیم هماهنگ کنند.

۴- برای سادات یکی از سر جمع نشینان مشعشعیان که به حوزه علمیه قم رفته، تغییر عقیده داده و لباس آخوندی به تن کرده است، تبلیغ کنند و ذهبیه‌های منطقه استان خراسان را که بسیار خنثی و خود را شریعتمدار میدانند بعنوان یاران خود در میان سایر طریقتها بدنام کنند.

در دوران سعید امامی فیلمی مستند بنام «عرفان دم خروسی» تهیه شد که شباهت بسیاری به سریال «هویت یک» حسین شریعتمداری کیهان داشت که نویسندگان و دگراندیشان را ترور شخصیت می کرد. نسخه‌هایی از این فیلم در اختیار روسای ادارات و نهادهای دولتی قرار گرفت. گوینده عنوان می کند که: «این فیلم با تائید رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای برای افشاء فرقه‌های به اصطلاح عرفانی و بمنظور جلوگیری از مردم فریبی آنان در اختیار شما قرار می‌گیرد.» صحنه‌های ساختگی این فیلم بسیار حیرت‌آور و در عین حال مضمّنزکننده آرایش شده است. تصاویر خانقاه‌ها، ذکر درویش و زنی که به خانقاه وارد می شود و با رهبر سلسله دست می دهد، به عنوان یک رابطه نامشروع و غیراخلاقی از آن یاد می شود. فیلم به ترور شخصیت دکتر نوربخش نیز می پردازد و بدون داشتن کمترین مدرکی با نشان دادن عکس وی و تصاویر ساختگی از دختری بنام فریا، دکتر نوربخش را به داشتن رابطه نامشروع و جنسی با فریا متهم می سازد و با صحنه‌های کاملاً ساختگی زنی بعنوان مادر فریا و دختر دیگری ظاهراً خواهر فریا علیه وی به صحبت می پردازند و با موسیقی غم‌انگیزی این بخش به پایان می رسد. در تصاویر بعدی شخصی از سوی وزارت اطلاعات با یک طرح از پیش ساخته شده دختران ۱۵، ۱۶ ساله را به ساختمانی دعوت و درباره مسلک و مرام طریقت خود تبلیغ می‌کند و شبانه مردانی را به آنها معرفی می کند تا با دختران هم بستر شوند. پیش از پایان فیلم فردی که بجای مجذوب علیشا رهبر سلسله مجذوب علیشاه گریم شده است اعتراف می کند که با یکی از مریدان خود رابطه جنسی برقرار کرده است. مجذوب علیشاه استاد فلسفه و الهیات و در دانشگاه تهران به تدریس الهیات نیز مشغول بود. جرم او در اعترافات ویدئویی تجاوز به دختری که از مریدان اوست و نیز پوشیدن لباس روحانیت بدون مجوز اعلام شده است. در پایان گوینده تصاویر یادآور می شود که در فیلم‌های بعدی به انحرافات درویش قادری، اهل حق و سایر سلسله‌ها که باندهای منحرف، فتنه‌گر و ضدشیعه هستند، خواهیم پرداخت.

خانقاه مجذوب علیشاه که محل آن در کرج بود، در سال ۷۴ بسته می‌شود. مجذوب علیشاه ۴۰ ساله دستگیر و به جرم تجاوز به یک دختر و استفاده غیر مجاز از لباس روحانیت در همان سال در تهران به جوخه اعدام سپرده می‌شود. در سال ۷۴ احسان علیشاه ۷۰ اسله اهل تهران و از رهبران طریقت خاکسار نیز در خانه‌اش مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و او را در صورت ادامه و تبلیغ طریقت خاکسار به مرگ تهدید می‌کنند. پیش از آن درویش صفاعلی همدانی یکی از رهبران طریقت خاکسار به عنوان رابطه نامشروع با یک زن به سنگسار محکوم می‌شود. به این ترتیب که زنی از سوی ماموران وزارت اطلاعات وارد خانه صفاعلی همدانی می‌شود و با کنار انداختن چادر، خود را برهنه به روی درویش صفاعلی می‌اندازد. ماموران با دو دوربین صحنه را فیلمبرداری و در دادگاه شهر همدان او را به مرگ از طریق سنگسار محکوم می‌کنند. روز قصاص، صحنه بگونه‌ای ساخته می‌شود که زن بتواند خود را از زیر خاک نجات دهد و درویش صفاعلی در اثر سنگسار جان خود را از دست می‌دهد. درویش صفاعلی در دادگاه تقاضا می‌کند مرا سنگسار نکنید، چرا که برای طرفدارانم بُت می‌شوم و با بُت شدن شدیداً مخالف هستم. من از زمانی که فقیر شدم، هرگز خلافی مرتکب نشده‌ام و آنچه که اتفاق افتاده یک دسیسه بوده است. دستگیری و آزار و اذیت رهبران طریقت ها طی دو دهه گذشته همواره به اشکال گوناگون وجود داشته است. کاک سید نصرالدین حیدری از رهبران اهل حق در منطقه گوران در سال ۷۵ بجرم عدم پیروی از ولی فقیه دستگیر و روانه زندان کرمانشاه می‌شود. پیامد این دستگیری اعتصاب غذای سید نصرالدین حیدری در زندان و حمایت مردم و بازاریان کرمانشاه بود که منجر به تعطیلی دو روزه بازار این شهر شد.

شکنجه‌های عمدتاً روحی و روانی، خلع سلاح مردم و طرفداران طریقت ها توسط عوامل سرکوبگر اطلاعاتی از جمله سیاستهای حکومت طی دو دهه اخیر بوده است. اتهام همکاری با حزب دمکرات کردستان ایران و داد و ستد سلاح یکی دیگر از ترفندهای رژیم محسوب می‌شود. رژیم در منطقه گوران و کرمانشاهان همواره سیاست نفوذ و وادار کردن رهبران عشایر به پیروی از سیاستهای حکومت را دنبال کرده است. چند روز پیش از عملیات فروغ جاویدان، تعدادی از نیروهای امنیتی رژیم شبانه با دو اتومبیل، وارد ده عشایر قلخانی در منطقه گوران شده و با این ترفند که ناموس و جان زنان و فرزندان عشایر در خطر جدی قرار دارد، با توزیع سلاح و مجوز استفاده از اسلحه برای مردم منطقه، آنان را در مقابل ارتش مسلح سازمان مجاهدین خلق آرایش و به درگیری مسلحانه می‌کشاند. در همان سال «خلیفه یارمراد» (اهل حق) نوازنده تنبور بجرم همکاری با حزب دمکرات کردستان در کرمانشاه به جوخه اعدام سپرده می‌شود.

در ادامه سرکوب گروههای متصوفه یا اهل عرفان، سال ۷۷ در پروسه قتل‌های سیاسی، مشهور به قتل‌های زنجیره‌ای قرار بود در شیراز رهبران طریقتها با هدف کنار نهادن اختلافات و از طریق بحث و دستیابی به مشترکات خود فعالیتی تازه را بصورت هماهنگ دنبال کنند. پیش از نشست، سیاوش تیموری زند از اندیشمندان اهل حق در تهران بوسیله یک اتومبیل زیر گرفته شد و به شکلی فجیع ترور گشت که حاصل این عملیات عدم حضور بسیاری از رهبران طریقت ها در نشست شیراز بود. رژیم در همان ایام کتابی با نام «سلوک در تاریکی» نوشته خلیفه مازندرانی منتشر نمود و با هدف تشنت و ایجاد تفرقه و اختلاف میان طریقت‌ها مرگ سیاوش تیموریان را به مکتب نورعلی الهی نسبت داد.

در پایان کتاب نظر پنجاه تن از مجتهدان قم درباره برهان اهل حق نوشته نورعلی الهی و کتاب هایی از این قبیل آمده که همگی را ضاله دانسته‌اند و علیه اهل حق و طرق دیگر کيفرخواست داده‌اند. اما هرگز مشخص نشد خليفه مازندرانی کیست؟ از کجا می‌داند که مکتببون نورعلی الهی اقدام به چنین عملی کرده‌اند و آیا حاضر است در دادگاهی اطلاعات خود را آشکار کند. به فاصله‌ای نزدیک دو کتاب دیگر نیز با نامهای «اهل حق؟» نوشته‌ی احمد کجوری ملامیری از حوزه علمیه قم، و «اهل حق چیست» از سوی سازمان حوزه هنری تبلیغات اسلامی انتشار یافت. نوامبر سال گذشته سید خلیل عالی نژاد استاد تنبور و از رهبران سادات عالی قلندری (اهل حق از منطقه گوران کرمانشاه) که تازگی به سوند و در شهر یوتوبوری ساکن شده بود، با ضربات متعدد کارد از پای درآمد و جسد او نیز به آتش کشیده شد که قتل وی نیز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

قتل و ترور از سوی پایوران نظام استبداد خونریز جمهوری اسلامی به اشکال گوناگون و در ابعادی دهشتناک همچنان ادامه دارد. بسیاری از این فجایع ناگفته مانده و افشاء نگردیده است. ماه گذشته غلامرضا اقبالی ۴۳ ساله برادر «داریوش» خواننده نامدار میهنمان نیز در زندان قزلحصار بوسیله تزریق آمپول به قتل رسیده است که مزدوران از تحویل جسد به خانواده وی خودداری کرده و در نقطه نامعلومی بخاک سپرده‌اند. سیاوش اقبالی (۲۴ ساله) دیگر برادر «داریوش» خواننده مبارز و آزادیخواه در همین زندان و در بهمن ماه سال ۷۵ بوسیله تزریق آمپول جان سپرده بود که جسد او نیز به خانواده تحویل داده نشد. کوشش است از این گاه به بعد شما را در جریان بسیاری از این جنایات قرار دهم.

در گزارش دوم از به خون نشینی‌های دیگری پرده برخواهم داشت. قتل ناصر امامی (شاعر)، انور صمدیان (ناشر)، و .....

عباس بختیاری

پاریس ۲۵ نوامبر ۲۰۰۲